

مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

*دکتر میر طاهر موسوی

طرح مسئله: در این مقاله، تئوری سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از رویکردهای جامعه‌شناسخی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سعی می‌شود تئوری سرمایه اجتماعی از لحاظ واقعیت‌های مسلط بر جامعه مورد آزمون تجربی قرار گیرد و به این سوال پاسخ داده شود که آیا این رویکرد نظری، تبیین‌کننده واقعیت موجود در زمینه مشارکت اجتماعی در ایران می‌باشد؟

روش: روش بررسی، تلیغی از روش کتابخانه‌ای و میدانی است؛ در بررسی میدانی، جامعه آماری شهروندان ۱۵ سال به بالا ساکن شهر تهران بودند که با استفاده از فرمول کوکران، حدود ۶۵۳ نمونه از میان آن‌ها انتخاب شدند و با استفاده از پرسش‌نامه اطلاعات جمع‌آوری و با بسته‌نرم‌افزاری SPSS با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: زمینه‌های مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحلیل نهایی هر چند در سطح خرد تا حدودی مساعد می‌باشد اما به دلیل عدم زمینه‌های مناسب در سطح کلان، از جمله تمرکزگرایی، پناشت منفی نسبت به عملکرد دولت و ... ما شاهد شکل‌گیری مشارکت اجتماعی در بین افراد نمی‌باشیم.

نتایج: از بعد ذهنی ما شاهد اعتمادپذیری در بین شهروندان و همچنین بین شهروندان و دستگاه‌های دولتی نیستیم و همین باعث شاهد است که بعد عینی مشارکت اجتماعی، یعنی شبکه تعاملات اجتماعی شکل نگیرد و در نتیجه مشارکت اجتماعی تحقق پیدا نکند.

کلیدواژه: اعتماد، تعاملات اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، هنجارهای اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۵/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۵/۱/۵

* دکтор جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <Tr-mousavi@yahoo.com>

مقدمه

با توجه به ابعاد توسعه در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و برنامه‌ریزی در جهت دستیابی به وضع مطلوب و تلاش در جهت تحقق آن، ضروری است لوازم و تبعات رسیدن به توسعه همه‌جانبه در رسیدن به وضع مطلوب پذیریم و از تمامی منابع و امکانات طبیعی و انسانی بالقوه به صورت مطلوب و حساب‌شده بهره ببریم و برای تمامی منابع ارزش ویژه‌ای قابل شویم.

یکی از لوازم برنامه‌ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت فعال و اثربخش همه‌جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه می‌باشد. به عبارت دیگر مشارکت فرآیندی است که در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (محسنی تبریزی، ۱۹۹۶: ۵۴).

مشارکت و انگیزش اجتماعی می‌تواند در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان جامعه انجام پذیرد. هم‌چنین بر حسب ملاک‌های مختلف دارای تقسیم‌بندی گوناگون می‌باشد که اگرچه وجود مشارکت به لحاظ انتزاعی و نظری بسیار مهم و اساسی است ولی عملی کردن و به‌اجرا در آوردن مشارکت به سادگی میسر نیست. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، نوع دید و نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان، خلقيات و روحیات مردم، تجربیات و واقعیات گذشته جامعه و... بر پذیرش یا عدم پذیرش یا نحوه اجرای مشارکت مؤثرند. در این مقاله نگاه ما معطوف به سطوح کلان اجتماعی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی افراد می‌باشد، افرادی که به عنوان سرمایه اجتماعی جامعه در پیشبرد اهداف توسعه به حساب می‌آیند. بنابراین لازمه توسعه پایا و همه‌جانبه، بسط روزافزون انگیزش و مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تعیین خط مشی مرتبط با زندگی اجتماعی آن‌هاست.

به رغم بیش از چند دهه بحث‌های گسترده و عمیق درباره مشارکت، به جرأت می‌توان گفت که هنوز هیچ تئوری کلی که به صورت روشن، همه یا اغلب متغیرهای مربوط به مشارکت را در برداشته باشد ارائه نگردیده است. به‌نظر می‌رسد که مشارکت پدیده

پیچیده‌ای است که به تعداد زیادی از متغیرهای دارای وزن نسبی متفاوت وابسته می‌باشد. البته این بدان معنی نیست که هیچ مدل ادراکی را نمی‌توان برای تبیین مشارکت ارائه نمود. لازمه ارائه مدل دقیق از مشارکت اجتماعی آزمون نظری و تجربی رویکردهای مختلفی است که در زمینه مشارکت اجتماعی وجود دارد و با این کار، اولاً میزان انطباق این رویکردها با جامعه ما شناخته می‌شود و ثانیاً خواهیم توانست شناخت همه جانبه‌ای از عواملی که در مشارکت اجتماعی تاثیرگذار می‌باشند به دست آوریم.

(۱) ملاحظات نظری

اولین مقاله در زمینه سرمایه اجتماعی مقاله «هانیفان» (HaniFan) می‌باشد که در سال ۱۹۱۶ به رشته تحریر درآمد (Woolcock, 1998). در این مقاله بیشتر ابعاد انسانی و تربیتی سرمایه اجتماعی مطمع‌نظر بوده است. جامعه‌شناسان کلاسیک هم به نحو غیرمستقیم به مفهوم سرمایه اجتماعی اشاره کرده‌اند؛ لذا به نظر می‌رسد بنیاد این بحث را در دوران معاصر باید نزد رابت پوتنام ایتالیایی، جیمز کلمن و بوردیو دنبال کرد. مطالعاتی که پاتنام در این زمینه انجام داده است در کتاب **دموکراسی و سنت‌های مدنی** تدوین شده است. او در رابطه با کارآمدی دموکراسی در شمال و جنوب ایتالیا به این نتیجه می‌رسد که سرمایه اجتماعی در شمال حضور و کارایی بیشتری داشته و لذا دموکراسی توانسته است بهتر عمل کند. او سه شاخص را برای سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند: (الف) آگاهی، (ب) مشارکت، (ج) نهادهای مدنی.

پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان اعتماد، هنجارها و شبکه‌های پیوند تعریف می‌کند که همکاری کنش‌گران برای نیل به سود متقابل را تسهیل می‌کند. نتیجه این همکاری، انواع متفاوتی از کنش‌های جمعی می‌باشد (Winter, 2000:3).

جیمز کلمن نیز در کتاب **بنیان‌های نظریه اجتماعی** فصل مستقلی را به همین مفهوم اختصاص داده است. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید

شاخص‌های پیشنهادی او پیچیده‌تر هستند و شامل موارد زیر می‌شوند: الف) تعهدات ایجاد شده، ب) دسترسی اطلاعاتی، ج) استقرار در مکان هنجارهای اجتماعی، د) کسب اقتدار، ه) کسب هویت سازمانی (کلمن، ۱۳۷۷). از نظر کلمن سرمایه اجتماعی در نهایت برای افراد سرمایه انسانی را به همراه دارد (Winter, 2000:2).

از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی، جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه برای دستیابی به منابع آن گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مرتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندها می‌باشد. در واقع، پیوندهای شبکه‌ای می‌بایست از نوع خاصی باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد باشند. از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی در نهایت پاداش اقتصادی یا همان سرمایه اقتصادی را به همراه دارد (Winter, 2000:2).

سرمایه اجتماعی مفهومی است که پیشینه طولانی زیادی ندارد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در تزها و مقالات دانشگاهی - بهویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش - با کارهای افرادی چون جیمز کلمن، پیر بوردیو، رابت پاتنام و فرانسیس فوکویاما افزایش یافته است (Wall, 1998:259).

بنابراین می‌توان سرمایه را در یک تقسیم‌بندی کلان به چهار دسته تفکیک کرد: الف) سرمایه فیزیکی که تاسیسات و سازه‌های عینی را شامل می‌شود؛ ب) سرمایه مالی که پول و انواع مختلف اوراق مالی را شامل می‌شود؛ ج) سرمایه انسانی که مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی و جمعی را دربرمی‌گیرد و بالاخره، د) سرمایه اجتماعی که ناظر بر منابع موجود در تعاملات اجتماعی برای گسترش کنش‌ها و تحصیل اهداف کنش‌گران اجتماعی است. این تلقی نزدیک به دیدگاه افرادی چون آرو (Arrow) است که معتقد‌نده سرمایه اجتماعی چیزی جز «تعاملات اجتماعی» نیستند. این «سرمایه» به طور خلاصه در شاخص‌های زیر تجلی می‌یابد: الف) وفاداری، ب) اعتماد، ج) اتصالات شبکه‌ای، د) اقتدار فردی، ه) هویت سازمانی، و) عمل متقابل، ز) هنجارهای اجتماعی، ح) اعتبار (افتخاری، ۸۲).

موضوع اجتماعی یا پایگاه اجتماعی، فرصتی در شبکه فرصت‌هاست. به تبعیت از

زتمکا (۱۹۹۱) چهار بعد برای موضع اجتماعی قائل هستیم که عبارتند از سرمایه اجتماعی، رتبه اجتماعی، نقش اجتماعی و ذهنیت موضعی.^۱

منظور از سرمایه اجتماعی گرینهای، رابطه‌ای است در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای یک موضع یا پایگاه اجتماعی در شبکه تعاملی جامعه. برای اشغال‌کننده یک موضع اجتماعی گرینهای رابطه‌ای، آن موضع می‌تواند سرمایه بالقوه‌ای باشد که در روابط اجتماعی تبدیل به ذخایر قدرت، ثروت، نفوذ و معرفت شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۸).

به طور کلی از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است. یکی از تعاریف مطرح این است که سرمایه اجتماعی، مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. براساس این تعریف، مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیک با سرمایه اجتماعی می‌گردند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۵).

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تاثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است. تجارت این سازمان نشان داده است که این پدیده تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد. سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها گردد (World Bank, 1999).

یکی از مفاهیم بسیار مهمی که جامعه‌شناسان معاصر در بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه از آن استفاده کرده‌اند، مفهوم سرمایه اجتماعی می‌باشد. منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند (Bourdieu, 1985; Coleman, 1988; Putnam, 1993; Alesina & La Ferrara, 2000).

1. Positional Mentality

ویژگی ذاتی سرمایه اجتماعی این است که در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. به تعبیر پورتنز (۱۹۹۸) سرمایه اجتماعی در درون ساختار روابط افراد یافت می‌شود. برای برخورداری از سرمایه اجتماعی، فرد باید با دیگران رابطه داشته باشد و در واقع همین دیگران هستند که منبع واقعی برخورداری فرد از مزايا و امتيازات محسوب می‌شوند. سرمایه یک منبع کلی است که اجتماع، افراد و گروههای اجتماعی و نهایتاً کل جامعه از آن استفاده می‌کنند، تا هدف‌های خود را تحقق بخشنده؛ یعنی ابزارهایی که فرد، گروه، نهاد، یا جامعه‌ای برای رسیدن به هدف‌هایش از آن‌ها استفاده می‌کند، سرمایه نامیده می‌شوند.

به طور کلی سرمایه اجتماعی دو جنبه دارد: یکی عینی و دیگری ذهنی. جنبه عینی شبکه‌ها مربوط به سرمایه آن‌هاست. جنبه ذهنی آن‌ها نیز اهمیت دارد، چرا که مربوط به هنجارهای اجتماعی است که به عنوان نمونه‌هایی از هنجارهای اجتماعی می‌توان به توقع مقابله به مثل، اعتماد برای همکاری، دلسویزی و آگاهی اشاره کرد.

واژه سرمایه دال بر آن است که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی، ماهیتی زاینده و مولد دارد، یعنی ما را قادر می‌سازد ارزش ایجاد کنیم، کارها را انجام دهیم، به اهدافمان دست یابیم، ماموریت‌هایمان را در زندگی به اتمام رسانیم و به سهم خویش به دنیای یاری رسانیم که در آن زندگی می‌کنیم. وقتی می‌گوییم سرمایه اجتماعی زاینده و مولد است، منظور این است که هیچ کس بدون آن موفق نیست و حتی زنده نمی‌ماند (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۰۰). نکته دیگری که باید حتماً در رابطه با سرمایه اجتماعية به آن توجه داشت این است که سرمایه اجتماعی یک ساختار جامعه‌شناختی است و آن را نباید به یک ساختار روان‌شناختی تقلیل داد؛ یعنی سرمایه اجتماعية قابل تقلیل در سطح فردی نمی‌باشد (Furstenberg, 1998: 296).

با بررسی ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی مشخص می‌شود که این سرمایه دارای دو جزء است:

الف) پیوند عینی بین افراد: نوعی ساختار شبکه‌ای عینی، می‌بایست برقرار کننده ارتباط بین افراد باشد. این بخش از سرمایه اجتماعية حکایت از آن دارد که افراد در فضای

اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند. اما باید دانست که این نوع پیوند بین افراد به عنوان سرمایه اجتماعی با عضویت در گروه یا اجتماع، اولاً از سرمایه اجتماعی و ثانیاً از مشارکت اجتماعی منفک می‌باشد. جامعه از گروه‌ها و اجتماعات بسیاری مثل شهروندی، همسایگی، قومی، مذهبی و... تشکیل شده است. همچنین هر جامعه از گروه‌های کوچک‌تر مثل جنبش‌های اجتماعی، گروه‌های سنی، طبقات اجتماعی و گروه‌بندی‌های ایدئولوژیک راست و چپ تشکیل شده است. تعیین و تشخیص این گروه‌های اجتماعی به سادگی گروه‌های ذکر شده قبلی ممکن نیست.

عضویت در هر گروه اجتماعی الزاماً دربرگیرنده همانندی نیست. برای مثال ممکن است کسی وابستگی به حزب خاصی داشته باشد ولی هویت خود را از آن نگرفته باشد و هیچ الزامی هم برای حمایت از آن احساس نکند. در مورد کلیسا، اجتماعات حرفه‌ای، هنری، همسایگی، قومی، شهری و در کل خود جامعه نیز می‌تواند همین طور باشد.

انفکاک عضویت از هویت و مشارکت می‌تواند از کم تا زیاد طبقه‌بندی شود. از این‌رو عضویت در گروه یا اجتماع الزاماً منجر به شرکت و سهیم‌شدن در امور، مشارکت و هویت‌یابی نمی‌شود. در چنین وضعیتی افراد ممکن است به میزان کم یا زیاد در امور مشارکت کنند و یا ممکن است اصلاً مشارکتی نداشته باشند. به علاوه آن‌ها ممکن است برای مشارکت، گروه‌ها، سازمان‌ها یا اجتماعات خاصی را انتخاب نمایند.

چنین وضعیتی می‌تواند برای نهادها، گروه‌ها (دینی، قومی، محلی، شهری، همسایگی و...) و حتی کل جامعه صادق باشد. از منظر چنین انفکاکی، هویت و وابستگی اجتماعی ضرورتاً وابسته به عضویت نیست. بنابراین فعال کردن مردم به رهبران و خود افراد سپرده می‌شود تا به دلایل گوناگون افراد را به تحرك درآورند. حیات گروه بدون حداقلی از مشارکت اعضاء، افول خواهد کرد و ظهور نهادها و مؤسسات اجتماعی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این نکته برگرفته از تئوری پاتنم می‌باشد. او سعی کرده است با این تئوری، تغییرات به وجود آمده در ایتالیا را توضیح دهد. او می‌خواست نشان دهد که ظهور این نهادها وابسته به سرمایه اجتماعی است. این سرمایه در اجتماعات مختلف بشری در

دسترس است. به عبارت دیگر میزان کنش متقابل سازمان یافته، همبستگی و ارتباطات مدنی می‌تواند نمونه‌ای از این نوع سرمایه باشد (Putnam, 1993: 30).

به نظر پاتنام هنجارها و شبکه‌های روابط مدنی به شکل قدرتمندی برانجام وظيفة دولت و نمایندگان آن تأثیر می‌گذارد. کیفیت حکومت به میزان بالایی تحت تأثیر سنت‌های دیرپایی روابط مدنی است. شرکت در رأی‌گیری، خرید روزنامه، تولید مطبوعات و... نمونه‌هایی از موفقیت مدنی است که در سایه مشارکت مردمی به دست می‌آید. در واقع تجزیه و تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که این شبکه‌های سازمان یافته کنش متقابل و همبستگی مدنی، جدای از این که تحت تأثیر مدرنیزاسیون اقتصادی - اجتماعی قرار می‌گیرند یک پیش‌شرط لازم برای آن هستند.

سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی که دست‌یابی به اهداف و اجرای پروژه‌های گروهی و اجتماعی را تسهیل می‌کند، مانند سرمایه مادی به سادگی آشکار نمی‌باشد. سرمایه اجتماعی ذاتاً مادی نیست، در فرد هم وجود ندارد، بلکه در بین روابط موجود بین افراد وجود دارد و آنچا ظاهر می‌گردد (همان، ۳۰). بر این مبنای هرگاه یک جامعه یا حل مسئله‌ای جلب نماید، مشارکت اعضای خود را برای دست‌یابی به اهداف خاص یا حل مسئله‌ای جلب نماید، گفته می‌شود که آن جامعه دارای سرمایه اجتماعی است. این مشارکت می‌تواند الزام به فعالیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هر نوع دیگر باشد.

ب) پیوند ذهنی: پیوندهای بین افراد می‌بایست دارای ماهیت متقابل، مبتنی بر اعتماد و دارای هیجانات مثبت باشد. اعتماد به این معناست که افراد از موفقیت‌های گروهی یا نهادی برای منافع خود بهره‌برداری نمی‌نمایند.

لذا می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اعتماد^۱ (پیوند ذهنی) و پیوند^۲ (پیوند عینی) است. این دو جزء معرف تقسیم‌بندی سنتی در نظریه اجتماعی بین ساختار و محتوی است. از بعد دیگر می‌توان گفت که این دو جز بیان‌گر جنبه‌های کیفی و کمی در

1. Trust

2. Association

سرمایه اجتماعی هستند.

اعتماد اولین جزء سرمایه اجتماعی است که به نوع ارتباط بین افراد مربوط می‌شود. تأکید بر اعتماد، در مقایسه با دیگر انواع ارتباط در ادبیات موضوع، نقش برجسته‌ای دارد. به علاوه، سنجش هیچانات مثبت یا میزان ارتباط متقابل در سطح ملی، کاری بس دشوار است. بخش عمده‌ای از نظریه مربوط به سطح اجتماعی مبتنی بر بحث اعتماد است و اعتماد، ارتباط تنگاتنگی با ارتباط تعیین‌یافته دارد و به طور کلی شاخص بسیار مناسبی برای پیوندهای مثبت و متقابل است.

نظریه پردازانی نظیر گیدنز (Giddens, 1990) بین انواع اعتماد هم تمایز قائل می‌شوند: اعتماد به افراد خاص و اعتماد با افراد یا نظام‌های انتزاعی،... اعتماد انتزاعی در برگیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است (Luhmann, 1988): لذا همان‌طور که کنش‌گر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص (براساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد، انگیزه‌ها و شایستگی‌های او) قضاوت کند، می‌تواند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگری تعیین‌یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد.

افراد همچنین می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرآیند می‌توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به نظام‌های تخصصی می‌نامد. ممکن است کنش‌گر از فردی که اتومبیل او یا خانه او را ساخته شناختی نداشته باشد ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قوانین، نظارت و کنترل کیفیت، دارای میزانی از اعتماد باشد. برای ارزیابی سرمایه اجتماعی در سطح ملی، سنجش اعتماد به نهادهای مختلف اجتماعی، ضرورت دارد. درحالی که اعتماد به افراد خاص می‌تواند در سطح خرد سرمایه اجتماعی مهم باشد، ولی اعتماد انتزاعی برای سرمایه اجتماعی در سطح ملی ویژگی مهم‌تری محسوب می‌شود.

در فرآیند توسعه اجتماعی میزان عضویت اعضای جامعه در گروه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف افزایش می‌یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بیشتر می‌شود و

بدین ترتیب اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم می‌پذیرد. به همین جهت آیینه‌نگاری به درستی متذکر می‌شود که مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی برای بینان‌گذاران جامعه‌شناسی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است؛ یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی غیرممکن است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲).

پیوند دومین جزء سرمایه اجتماعی است که بیان‌گر پیوندهای عینی بین افراد و یا به عبارت دیگر، ارتباطات آن‌ها با یکدیگر است. پیوندهای بین افراد می‌توانند از دو نوع باشد:

الف) افراد می‌توانند به شیوه غیررسمی از طریق انتخاب دوستی‌ها و انواع پیوندهای شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباط باشند. به عبارت دیگر، هر فردی دارای شبکه اجتماعی است که این شبکه می‌تواند حاوی انواع رابطه نظیر دوستی یا پیوندهای عاطفی، نزدیکی در فضای مانند همسایگی یا مجاورت مکانی در اداره، روابط خویشاوندی و نظیر آن باشد. هریک از این پیوندها، دلالت بر کل ذخایر سرمایه اجتماعی فرد دارد. به‌طور خلاصه، دوستی‌های غیررسمی فرد با همکلاسی‌های قدیمی، همکاران یا دوست یک دوست می‌تواند به‌واسطه تأمین ارتباطات و حمایت اجتماعی، تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی آن فرد باشد.

ب) جدا از پیوندهای غیررسمی با دیگران، فرد می‌تواند از طریق عضویت رسمی در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه با دیگران در ارتباط باشد. پیوندهای رسمی و شبکه‌های غیررسمی بر حسب پیوند بین افراد تعریف می‌شود ولی ادامه حیات پیوندهای رسمی فراتر از شبکه اجتماعی درونی است.

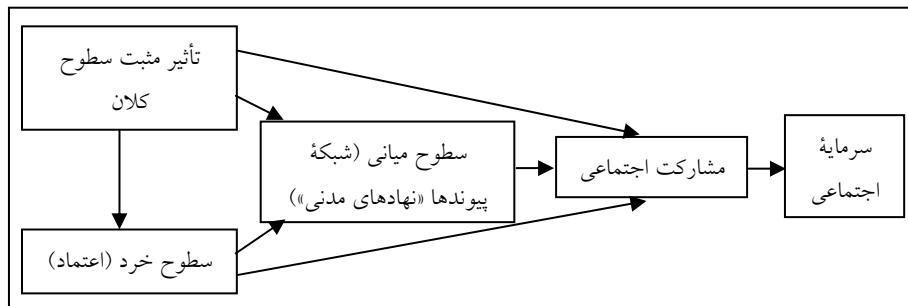
در نهایت می‌توان سه عامل را مشخص کرد که این دو بعد را دربرمی‌گیرند. عامل اول آگاهی از مسائل عمومی است. گفتیم که سرمایه اجتماعی مربوط به روابط بین افراد است و نمی‌تواند شخصی باشد. بنابراین آگاهی از مسائل و عوامل عمومی اولین عامل موثر بر روابط اجتماعی است. در صورتی که در جامعه شاهد عدالت اجتماعی و توزیع درست اطلاعات در نزد عموم مردم نباشیم در حقیقت عامل اول سرمایه اجتماعی تحقق پیدا نخواهد کرد. عامل دوم اعتماد است. فرد باید هم به افراد - پیوند و اعتماد بین فردی - و

هم به نهادها - اعتماد انتزاعی و اطمینان از رعایت هنجره‌ها که شامل اعتماد به نهادها، اعتماد به گروه‌های اجتماعی، اعتماد به مسئولان و... است - اعتماد کامل داشته باشد. عامل سوم، پیوند عینی - رسمی یا غیررسمی - یا مشارکت است؛ مشارکت داوطلبانه مردم در نهادهای عام‌المنفعه یا مدنسی، در صورتی که آگاهی و اعتماد در مردم به وجود بیاید، - که لازمه آن عدم استبدادگرایی و تمرکزگرایی، مدارا و تساهل با گروه‌های مختلف، عدالت اجتماعی و... از سوی مسئولان و نهادهای رسمی می‌باشد - عامل مشارکت صورت خواهد گرفت. این سه عامل می‌توانند آن دو بعد عینی بودن و ذهنی بودن را در برداشته باشند و در واقع تعریف سرمایه اجتماعی هستند؛ چرا که تمامی اجزا و ابعاد آن را دارند.

هرچند در این مقاله نگاه ما معطوف به مشارکت اجتماعی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح مطرح باشد: (الف) بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه ساز در افراد ایجاد می‌شود؛ (ب) بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجراء و تصمیم‌گیری بروز می‌کند، که همان پیوند عینی افراد است. بنابراین با تأمل در این تعریف متوجه می‌شویم مشارکت اجتماعی، همه عناصر سرمایه اجتماعی را دربردارد و هرچند در تحلیل بعد از عناصر سرمایه اجتماعی بروز می‌کند اما با کمی دقیق و شکافتن اجزاء مقوم مشارکت اجتماعی، ملاحظه می‌شود که مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که سبب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌شود.

تئوری سرمایه اجتماعی تحلیل خود را متمرکز بر ویژگی‌های کلان اجتماعی می‌کند و معتقد است که این ویژگی‌های کلان اجتماعی انگیزشی در افراد ایجاد می‌کند که عامل مشارکت و توسعه جامعه می‌شود. بنابراین عدم وجود سرمایه اجتماعی (اعتماد و شبکه پیوندها) در افراد سبب عدم مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود.

تصویر ۱: مدل سرمایه اجتماعی



بر پایه مدل فوق الذکر فرضیات تحقیق به قرار زیر می‌باشند:

- الف) بین بیگانگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.
- ب) بین نوع نگاه شهروندان به سطوح کلان اجتماعی و مشارکت اجتماعی آنها رابطه معنی داری وجود دارد.
- ج) بین میزان انسجام اجتماعی افراد و میزان مشارکت آنها رابطه معنی داری وجود دارد.

۲) روش

۱-۱) روش پژوهش

برای آزمون نظریه سرمایه اجتماعی در شهر تهران، از نتایج مطالعه تحلیل سطوح مشارکت اجتماعی و بررسی موانع مشارکت اجتماعی در کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر ایران) به شیوه استنادی و پیمایشی (Survey) استفاده شده است.

۱-۲) ابزار پژوهش

اطلاعات مورد نظر با استفاده از پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۷۲ سؤال پس از طی مراحل

مطالعه مقدماتی و پیش‌آزمون تنظیم و با مراجعة حضوری به درب منازل شهروندان تهرانی، جمع‌آوری شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌های پرشده بازینی و پس از کدگذاری و استخراج داده‌ها، با استفاده از بسته نرم‌افزاری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۲-۳) جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با توجه به جمعیت شهر تهران ۶۵۳ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری از طریق نمونه‌گیری خوش‌های صورت گرفت. در تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از آماره‌های توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

۲-۴) تعاریف

- **مشارکت اجتماعی:** در برگیرنده انواع کنش‌های فردی - گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح مطرح باشد:

(الف) بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است

(ب) بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجراء و تصمیم‌گیری بروز می‌کند.

- **یگانگی اجتماعی** (در سطح خرد): به معنای نوعی احساس ناتوانی، پوچی، بی‌معیاری، انزوا و جدایی از جمع می‌باشد.

- **برخورد با مخالفین** (سطح کلان): برخورد قهرآمیز و عدم تساهل و مدارا با مردم که سبب عدم اعتماد به نهادهای حکومتی می‌شود و در نتیجه سبب عدم مشارکت اجتماعی آن‌ها می‌گردد.

- **پنداشت از دولت** (سطح کلان): یکی از موانع عدمه مشارکت اقوام و گروه‌ها در نهادهای توسعه، بی‌اعتمادی و داشتن پنداشت نامطلوب از عملکرد دستگاه‌های حاکم می‌باشد.

- انسجام اجتماعی: برای سنجش این متغیر سه شاخص «گرایش شهروندان نسبت به یکدیگر»، «میزان تعامل و ارتباط مقابل اجتماعی آنها» و «میزان نزاعات جمعی و اختلافات سیاسی» مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- استبدادگرایی (تمرکزگرایی): دلالت بر پذیرش نوعی نظام مرکزی، هدایت رهبری از بیرون و اطاعت از مافوق است.
- دسترسی به اطلاعات (سطح کلان): منظور، دستیابی به یکسری اطلاعات و آگاهی‌هایی است که امکان آن برای همه افراد میسر نمی‌باشد. همچنین دانش و آگاهی محدود افراد در زمینه‌های مختلف نیز در این مقوله می‌گنجد و در دو سطح میانی و کلان مطرح است.

(۳) نتایج

۱-۳) ویژگی‌های فردی پاسخگویان

برخی ویژگی‌های فردی ۶۵۳ نفر از شهروندان تهرانی که در این تحقیق نمونه واقع شدند در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های فردی پاسخگویان

ردیف	ویژگی‌های فردی	درصد توزیع فراوانی
۱	مجرد	۵۰/۱
۲	متاهل	۳۲/۶۱
۳	باسوساد	۹۵/۴۰
۴	شاغل	۴۵/۰۲
۵	درآمد زیر ۱۵۰ هزار تومان	۳۲/۶

۲-۳) شاخص مشارکت اجتماعی

برای سنجش مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی، هشت گویه و برای مشارکت در بعد عینی،

دوازده گویه در نظر گرفته شد.

بررسی نتایج حاصل از هشت گویه به منظور سنجش بعد ذهنی مشارکت اجتماعی نشان داد که:

۸۳/۸ درصد پاسخگویان معتقدند که به دیگران نمی‌توان اعتماد کرد. همچنین ۸۰/۴ درصد پاسخگویان معتقد بودند در این روزها در انجام کارها باید به مشورت دیگران توجه کرد. ۷۲ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که کارها باید به صورت گروهی انجام شود و ۷۵/۷ درصد پاسخگویان معتقدند که منافع فرد را باید بر منافع جمع اولویت داد.

۸۱/۲ درصد پاسخگویان معتقدند که پیشرفت بسته به تلاش و کوشش خود فرد است و ۸۲/۵ درصد پاسخگویان تأکید کرده‌اند هر شخصی مسئول زندگی، کار و بار خودش می‌باشد. ۵۱/۸ درصد پاسخگویان معتقدند که برای حل مشکلات باید از کمک دیگران بهره‌مند شد و ۶۲/۵ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که مشکلات باید بیشتر توسط دولت حل شود تا خود مردم.

جمع‌بندی گویه‌های هشتگانه شاخص ذهنی مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد که اکثریت (یعنی ۶۵/۲ درصد پاسخگویان) تا حدودی از لحاظ ذهنی، مشارکتی می‌باشند. در این تحقیق مشارکت اجتماعی در بعد عینی به عنوان متغیر وابسته، به صورت سه شاخص مشارکت در نهادها، مشارکت در خرید اوراق مشارکت و مشارکت در ایام مذهبی سنجیده شد.

۳-۳) شاخص مشارکت در نهادها

این شاخص تحت چهار شاخص دیگر سنجیده می‌شود: شاخص عضویت در نهادها یا مؤسسه‌ها، کمک مالی به نهادها یا مؤسسه‌ها، شرکت در جلسات نهادها یا مؤسسه‌ها و شرکت در تأسیس نهادها یا مؤسسه‌ها.

شاخص عضویت در نهادها یا مؤسسه‌ها با طرح سوال درباره مؤسسه‌های ذیل بررسی کنند:

- انجمن اولیاء مربیان مدرسه،

- کارگاه‌های تولیدی،
- شرکت‌های تعاونی،
- صندوق‌های مالی،
- اتحادیه‌های صنفی،
- شورای اسلامی محل،
- فعالیت‌های عام‌المنفعه،
- نیروی مقاومت بسیج،
- احزاب.

جمع‌بندی گویه‌های شاخص عضویت در نهادها و مؤسسات نشان داد که تنها ۷ درصد در این نهادها و مؤسسات عضویت دارند. شاخص خرید اوراق مشارکت حاکی از آن بود که ۸۷/۱ درصد پاسخگویان اوراق را خریداری نکردند. برای بررسی شاخص مشارکت در ایام مذهبی از پاسخ دهنده‌گان درباره میزان شرکت آن‌ها در مناسبت‌های مذهبی، جشن‌های نیکوکاری، برگزاری مراسم عزاداری و شهادت، برگزاری مراسم اعیاد ملی و مذهبی سؤال شد.

جمع‌بندی سه شاخص مشارکت در نهادهای مدنی، مشارکت در خرید اوراق مشارکت و مشارکت در ایام مذهبی به عنوان سه شاخص تعیین‌کننده میزان مشارکت عینی نشان داد اکثریت یعنی ۸۱/۲ درصد پاسخگویان در نهادهای مدنی مشارکت ندارند.

۴-۳) شاخص سرمایه اجتماعی

شاخص سرمایه اجتماعی بر پایه شش مولفه استبدادگرایی، بیگانگی اجتماعی، خشونت و عدم مدارا با مخالفین، دسترسی به اطلاعات و پنداشت از دولت ارزیابی شده است. شاخص استبدادگرایی دلالت بر پذیرش نوعی نظام متمرکز، هدایت و رهبری از بیرون و اطاعت مبتنی بر فرد و مافوق می‌باشد. متغیرهایی که جهت سنجش استبدادگرایی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند عبارتند از:

- مالکیت دولتی بر تجارت و صنعت،
- عدم برخورد تساهل آمیز دولت با مخالفان،
- تافته جدا بافته بودن دولت از مردم،
- عدم فرصت مساوی دسترسی به اطلاعات،
- عدم آزادی عمل مطبوعات،
- مطابق میل دولت عمل کردن انجمن‌ها.

جمع‌بندی گویه‌های شش گانه تمرکزگرایی نشان می‌دهد که اکثربت، یعنی ۴۸/۷ درصد در حد زیاد معتقدند تمرکزگرایی در سطح جامعه زیاد می‌باشد. بیگانگی اجتماعی به معنای نوعی احساس ناتوانی، پوچی، بی‌معیاری، انزوا و جدایی از جمع می‌باشد. این شاخص نتیجه تأثیر سطح کلان جامعه بر روی شخصیت افراد می‌باشد. جهت سنجش شاخص بیگانگی اجتماعی نظر پاسخگویان درباره موارد ذیل سنجیده شد:

- بی‌نظمی مدار دنیا،
- گفتن مشکلات و کمبودها به مسئولین،
- بدتر شدن وضع طبقات محروم،
- عدم اعتماد به دیگران در این روزها.

جمع‌بندی چهار گویه بی‌نظمی مدار دنیا، عدم فایده گفتن مشکلات به مسئولین، بدتر شدن وضع طبقات محروم و عدم اعتماد به دیگران در این روزها نشان داد که اکثربت یعنی ۷۱/۷ درصد پاسخگویان موافق با شاخص هستند، یعنی این‌ها بیگانه از جامعه‌اند.

انسجام اجتماعی - یعنی احساس تعلق و همانندی با یک کل - نتیجه تأثیر متغیرهای سطح کلان بر روی شخصیت افراد می‌باشد. در صورتی که افراد احساس همنوایی با کل را داشته باشند مشارکت تحقق می‌پذیرد. برای ارزیابی انسجام اجتماعی نظر پاسخگویان درباره موارد ذیل مورد پرسش قرار گرفت:

- ابراز خوبی‌ها توسط مردم،

- احترام گذاشتن به بزرگترها و کوچکترها،
- کمک به اهالی محله،
- اختلافات سیاسی بین اهالی.

جمع‌بندی گویه‌های فوق نشان داد اکثریت، یعنی ۶۴/۳ درصد پاسخگویان، معتقدند تاحدی انسجام در جامعه وجود دارد. خشونت و عدم مدارا با مخالفین از دیگر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بود که مورد ارزیابی قرار گرفت. بر این اساس، پاسخگویان در مورد گویه‌های زیر مورد پرسش قرار گرفتند:

- مدارا و تساهل حکومت با مخالفین،
- تافته جدا بافتہ نبودن حکومت از مردم،
- پذیرش نظر مخالفان توسط حکومت.

جمع‌بندی توزیع گویه‌های مرتبط با متغیرها فوق الذکر نشان داد اکثریت، یعنی ۶۱/۳ پاسخگویان، معتقدند به خشونت و عدم مدارا با مخالفین خود می‌باشند.

شاخصه‌سالاری در توزیع موقعیت‌ها و عدم دسترسی به اطلاعات و امکانات دو متغیر مهم برای سنجش شاخص دسترسی به اطلاعات محسوب می‌شوند. جمع‌بندی گویه‌های مورد نظر نشان می‌دهد که اکثریت، یعنی ۴۲۳ نفر (۶۴/۸ درصد) پاسخگویان در حد زیاد با شاخص مورد نظر موافق هستند و معتقدند اطلاعات و امکانات به عدالت در سطح جامعه توزیع نشده‌اند.

شاخص ششم که در سنجش سرمایه اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفت "پنداشت از دولت" بود.

یکی از موانع عمدۀ مشارکت اقوام و گروه‌ها در نهادهای توسعه، بی‌اعتمادی و داشتن پنداشت نامطلوب از عملکرد دستگاه‌های حاکم می‌باشد. برای سنجش و ارزیابی پاسخ دهنده‌گان از "دولت و عملکرد آن"، نظر آنان درباره موارد ذیل مورد پرسش قرار گرفت:

- تأثیر قوانین مجلس در زندگی،
- رفتار برابر از سوی نهادهای حکومتی.

جمع‌بندی دوگویه فوق الذکرنشان می‌دهد که اکثریت، یعنی ۴۹/۵ درصد پاسخگویان، در حد کم با گویه مورد نظر موافق می‌باشند.

۴) نتایج تحلیلی

۱-۴) رابطه بین مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی و مولفه‌های سرمایه اجتماعی

در جدول شماره ۲ آزمون معنی‌داری رابطه بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی به عنوان متغیر وابسته آورده شده است.

جدول ۲: آزمون معنی‌داری رابطه بین مشارکت ذهنی و مولفه‌های سرمایه اجتماعی

Mann-Whitney u	Kendall's tau-b	Sig	مولفه‌های سرمایه اجتماعی
-	-۰/۰۸۸	۰/۰۲۱	استبدادگرایی (تمرکزگرایی)
۳۵۴۲۱/۵۰۰	-	۰/۰۰۰	بیگانگی اجتماعی
-	-۰/۰۲۴	۰/۰۰۷	انسجام اجتماعی
۴۴۴۲۰/۵۰۰	-	۰/۰۰۲	خشونت و عدم مدارا با مخالفین
-	۰/۰۶۶	۰/۰۷۶	دسترسی به اطلاعات
-	-۰/۰۸۸	۰/۰۱۳	پنداشت از دولت

۲-۴) بررسی روابط بین متغیر مشارکت اجتماعی در بعد عینی و متغیرهای مستقل

در این تحقیق مشارکت اجتماعی در بعد عینی به عنوان متغیر وابسته، با سه شاخص ارزیابی شد: الف) شاخص مشارکت در نهادها، ب) شاخص مشارکت در خرید اوراق مشارکت، ج) شاخص مشارکت در ایام مذهبی.

در جدول فوق آزمون معنی‌داری رابطه بین متغیرهای مستقل و عضویت در نهادها به عنوان متغیر وابسته نشان می‌دهد که تنها بین متغیر مستقل خشونت و عدم مدارا با

مخالفین با متغیر وابسته رابطه معنی‌داری وجود دارد (Sig:0.026). شاخص مشارکت در خرید اوراق مشارکت با یک گویه در سطح اسمی سنجیده شده است و از پاسخگویان سؤال شد «آیا تاکنون اوراق مشارکت خریداری کرده‌اید؟».

نتایج به دست آمده از توزیع فراوانی پاسخگویان نشان می‌دهد که اکثربت، یعنی ۸۷/۱ درصد پاسخگویان از لحاظ عینی، یعنی خرید اوراق مشارکت، مشارکت بسیار کمی دارند. آزمون معنی‌داری رابطه بین متغیرهای مستقل و مشارکت در خرید اوراق مشارکت به عنوان متغیر وابسته نشان داد که رابطه معنی‌داری بین متغیرها وجود ندارد و تنها بین متغیر مستقل اولویت ارزشی با متغیر وابسته رابطه معنی‌داری (Sig:0/001) وجود دارد.

شاخص مشارکت در ایام مذهبی با سه گویه در سطح ترتیبی سنجیده شده است:

- الف) شرکت در جشن نیکوکاری، ب) برگزاری مراسم عزاداری و شهادت،
- ج) برگزاری مراسم اعیاد ملی و مذهبی.

نتایج به دست آمده از توزیع فراوانی پاسخگویان نشان می‌دهد که اکثربت، یعنی ۵۴/۵ درصد پاسخگویان از لحاظ عینی یعنی شرکت در ایام مذهبی، در حد متوسط مشارکت دارند.

آزمون معنی‌داری رابطه بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت در ایام مذهبی به عنوان متغیر وابسته نشان داد که رابطه معنی‌داری بین متغیر مستقل و وابسته در بعد ذهنی وجود ندارد.

همچنین آزمون معنی‌داری رابطه بین متغیرهای مستقل و مشارکت در بعد عینی به عنوان متغیر وابسته نشان می‌دهد تنها بین متغیر مستقل استبداغرایی در بعد عینی با مشارکت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با عنایت به یافته‌های فوق الذکر، نتایج این پژوهش نشان داد:

- الف) بین بیگانگی اجتماعی و تمایل ذهنی به مشارکت رابطه معنی‌داری وجود دارد، به طوری که در افرادی که کمتر احساس بیگانگی می‌کنند تمایل به مشارکت اجتماعی در حد کامل افزایش می‌یابد (Sig: ۰/۰۰۰). در صورتی که بین بیگانگی اجتماعی و مشارکت

عینی تفاوت معنی داری وجود ندارد (Sig: ۰/۴۵۰).

ب) در صورتی که مردم احساس کنند که حکومت و دولت با مخالفین خود به خشونت رفتار می کنند، این احساس، در میزان مشارکت اجتماعی آنها تأثیر دارد.

ج) اکثریت شهروندان تهرانی با این سؤال که دولت با شهروندان و مخالفین خود به تساهل و مدارا برخورد می کند ابراز مخالفت کرده اند. در خصوص رابطه بین نوع نگاه برخورد دولت با مخالفین و تمایل ذهنی به مشارکت، رابطه معنی داری وجود دارد؛ به طوری که کسانی که نگاه منفی به برخورد دولت دارند تمایل به مشارکت کمتری نیز دارند (Sig: ۰/۰۰۲).

در رابطه با نوع نگاه مثبت و منفی برخورد دولت با مخالفین با مشارکت اجتماعی در بعد عینی رابطه معنی داری وجود دارد، به طوری که اکثریت کسانی که نگاه منفی به برخورد دولت دارند مشارکت اجتماعی کمتری دارند (X=4/517, Sig: ۰/۰۳۴).

د) آزمون معنی داری تا او بی کندال نشان می دهد که بین نوع نگاه شهروندان به تمرکزگرایی دولت در جامعه و تمایل به مشارکت ذهنی، رابطه معنی داری وجود دارد، به طوری که اکثریت کسانی که در حد متوسط معتقدند دولت در حد زیاد در جامعه تمرکز ایجاد کرده، در حد متوسط تمایل به مشارکت ذهنی دارند (Kendall's tau_b Sig: ۰/۰۲۱).

در ضمن بین تمرکزگرایی عینی و میزان مشارکت اجتماعی در بعد عینی همانند تمرکزگرایی ذهنی رابطه معنی داری وجود دارد (Kruskal Wallis: ۶/ ۷۰۷ Sig: ۰/۰۲۵).

ه) اکثریت کسانی که در حد کم معتقدند که قوانین دولتی تأثیری در زندگی آنها ندارند و دولت نسبت خواسته شهروندان بی تفاوت است، در حد کم تمایل به مشارکت ذهنی دارند. آزمون آماری نیز نشان می دهد بین مشارکت در بعد ذهنی و تمرکزگرایی رابطه معنی داری وجود دارد (Kendall's tau_b Sig: ۰/۰۱۳). در صورتی که بین پنداشت از دولت و مشارکت عینی رابطه معنی داری وجود ندارد (Kruskal Wallis: ۱/ ۸۶۸ Sig: ۰/۰۰۰).

و) بین میزان دسترسی و توزیع صحیح اطلاعات و تمایل به مشارکت اجتماعی رابطه معنی داری وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد رابطه بسیار ضعیف می باشد (Kendall's tau_b : ۰/۰۶۶ Sig: ۰/۰۷۶).

همچنین بین مشارکت در بعد عینی و میزان دسترسی به اطلاعات تفاوت معنی‌داری بین شهروندان وجود دارد و اکثربت کسانی که معتقدند تاحدی به اطلاعات دسترسی دارند به همان میزان در بعد عینی مشارکت اجتماعی شرکت می‌کنند (Sig: ۰/۰۳۵). (Kruskal Wallis: ۶/۷۰۷)

با توجه به فرضیه‌های ششگانه بالا می‌توان گفت که بین نوع نگاه مردم به سطوح کلان، یعنی دستگاه‌های قانون‌گذاری و مشارکت اجتماعی، در بعد ذهنی تاحدی ارتباط معنی‌دار وجود دارد؛ هرچند که اکثربت افراد تاحدی تمایل ذهنی به مشارکت دارند اما از لحاظ عینی بین نوع نگاه مردم و مشارکت اجتماعی در بعد عینی رابطه معنی‌داری وجود ندارد و این ارتباط در حد بسیار کمی می‌باشد.

بین انسجام اجتماعی و تمایل ذهنی به مشارکت اجتماعی مطابق با آزمون معنی‌داری تا او بی کندال رابطه معنی‌داری وجود ندارد (Kendall's tau_b: -۰/۰۴۴ Sig: ۰/۵۰۷).

همچنین بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بعد عینی تفاوت معنی‌داری مطابق با آزمون کراسکال والیس مشاهده نمی‌شود (Kruskal Wallis: ۰/۵۴۴ Sig: ۰/۹۰۹).

(۵) بحث

با تعمق در مفهوم مشارکت اجتماعی به این نتیجه می‌رسیم که جز لاینفک مشارکت اجتماعی، چیزی جز منابع موجود در تعاملات اجتماعی یعنی گسترش کنش‌ها و تحصیل اهداف کشنگران برای رسیدن به خیر جمعی نمی‌باشد. با این نگاه باید اذعان داشت که مشارکت اجتماعی همان ایجاد سرمایه اجتماعی در جامعه می‌باشد، چون بدون تحقق سرمایه اجتماعی - روابط انجمنی، هنجارها و اعتماد، پیوند و اعتماد بین فردی، روابط بین گروهی، روابط با نهادها و احساس برخورد از حمایت اجتماعی - ما در جامعه شاهد تعاملات اجتماعی بین افراد جامعه نخواهیم بود. از اینجا می‌توان بیان کرد که مشارکت اجتماعی تحقق نمی‌یابد مگر با وجود تحقق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی؛ و سرمایه اجتماعی تتحقق نمی‌یابد مگر با تجلی شاخص‌هایی همچون اعتماد و پیوندهای میان افراد

و همچنین افراد با نهادهای رسمی و غیررسمی؛ و باید بیان کرد که سرمایه اجتماعی بر خلاف سایر سرمایه‌های موجود در اجتماع، فیزیکی نمی‌باشد، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است و این نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در دل شبکه روابط اجتماعی قرار دارد و چنان‌که فرستنبرگ بیان می‌کند، سرمایه اجتماعی یک ساختار جامعه‌شناسخی است و نباید آن را به ساختار روان‌شناسخی تقلیل داد. بنابراین سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اساسی است: پیوند عینی و ذهنی. همان‌طور که ما نشان دادیم، در تحلیل نهایی، مؤلفه مشارکت اجتماعی در کنار این دو مؤلفه قرار می‌گیرد؛ و این مؤلفه‌ها تحقق نمی‌باید مگر با فراهم شدن شرایط لازم که بیشتر در سطوح کلان جامعه قرار دارد. از آنجا که شرایط لازم در سطح کلان برای ایجاد سرمایه اجتماعية نشده ما در جامعه شاهد بی‌اعتمادی بالایی - چه در بین افراد جامعه نسبت به یکدیگر و چه عدم اعتماد شهروندان به سطوح کلان اجتماعی - می‌باشیم، چنان‌که این عدم اعتماد به سطوح میانی یعنی نهادهای واسط و مدنی و شبکه روابط اجتماعية تسری پیدا کرده و باعث عدم شکل‌گیری تعاملات مستمر و دائمی بین افراد جامعه شده است. چنان‌که بررسی میدانی نشان می‌دهد، هر چند شهروندان تا حدودی از لحاظ ذهنی آماده مشارکت می‌باشند اما از آنجا که سطوح کلان مانع شکل‌گیری شبکه تعاملات اجتماعی شده است، ما شاهد تحقق سرمایه اجتماعی اجتماعی چه در بعد ذهنی (اعتماد) و چه در بعد عینی (شبکه تعاملات یا روابط اجتماعی) نمی‌باشیم.

چنان‌که نتایج نشان می‌دهد، در رابطه با سطح کلان اجتماعی نوع نگاه شهروندان به دستگاه‌ها و سیستم قانون‌گذاری کشور، نگاهی منفی است، به طوری که شهروندان معتقدند در جامعه اولاً توزیع امکانات و منابع در جامعه عادلانه نمی‌باشد و همه افراد دسترسی یکسان و برابر به اطلاعات را ندارند؛ سیستم اقتصادی کشور به نفع یک قشر خاص عمل می‌کند؛ اقدامات دولت و دستگاه‌های دولتی تأثیری در بهبود زندگی شهروندان ندارد؛ و تمرکزگرایی در سطح بالا دولت بسیار زیاد می‌باشد. برای همین دولت و حکومت با مخالفین خود با مدارا و تساهل برخورد نمی‌کند. همچنین عدم اعتماد به حکومت و دولت

زیاد می‌باشد.

بنابراین هرچند تغیراتی را در سطوح مختلف مشاهده می‌کنیم اما به دلیل این که اکثریت شهروندان چه به لحاظ شخصیتی، و چه به لحاظ نوع جامعه‌پذیری و نوع نگاه به سطوح کلان، تفاوت بسیار کمی با یکدیگر دارند. برای همین هرچند تمایل ذهنی به مشارکت اجتماعی تا حدودی بین شهروندان مشاهده می‌شود اما به دلیل نگاه منفی به سطوح کلان اجتماعی یعنی دولت و حکومت و دستگاه‌های قانون‌گذاری و به دلیل تمرکز قدرت در دست حکومت، استبداد سیاسی، عدم شکل‌گیری گروه‌ها و طبقات مستقل از قدرت دولت، ضعف عقلانی و سنت‌گرایی، مشارکت در بعد عینی بسیار ناچیز و کم می‌باشد.

- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۲)، نبود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت، نشریه پژوهشی، آموزشی و اطلاع‌رسانی، شماره ۱۱ و ۱۲، نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
- تاجیخش، کیان. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، شیرازه، تهران.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۳)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج اول.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری اجتماعی، تهران، نشر نی.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹)، پایان نظم (ترجمه غلام‌عباس توسلی)، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵)، پیگانگی مانع برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان پیگانگی و مشارکت اجتماعی سیاسی، نامه پژوهش فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Alesina, A. & La Ferrara, E (2000), **Participation in Heterogeneous communities**, The Quarterly Journal of Economics, August.
- Bourdieu, P. (1985), **The Forms of Capital**, in J Richardson(ed.); Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education New York, Green wood.
- Coleman, J. (1988a), **The Creation and Destruction of Social Capital: Implications for the Law**, Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public Policy, vol. 3.
- Furstenberg, G. (1998), **Social Capital and the Role of Fathers in the Family**, Chapter 15 in A. Booth & A. Creuter (eds), Men In Families: When Do They Get Involved? What Difference Does It Make?, Lawrence Erlbaum, New Jersey.
- Giddens, A.(1990), **The Consequences of Modernity**, Stanford, Clif, Stanford University Press.

- <Http://www.worldbank.org/poverty/ scapital / whastc.htm.>
- Luhmann, N. (1979), **Trust and Power**, Chichester, Wiley.
- portes, A. (1998), **Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology**, Annual Review of Sociology, 22.
- Putnam, R. (1993), **Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy**, Princeton University Press, Princeton.
- Verba, Sidney.; Nie, Norman H. & Kim, Jao-on. (1978), **Participation and Political Equality**, Cambridge and NewYork, Cambridge University Press.
- Verba, S., Schlozman, K. & Brady, H. (1995), **Voice and Equality**, Cambridge, Mass, Harvard University Press.
- Wall, Ellen , Gabriele Ferrazzi, & Frans Schryer. (1998), **Getting the Goods on Social Capital**, Rural Sociology, 63(2).
- Woolcock, M. (1998), **Social Capital and Economic Development**. toward a Theoretical Synthesis and Policy Framework, Theory and Society, vol. 27.
- Winter, Lan. (2000), **Towards a Theorised Understanding of Family Life and Social Capital**, Working Paper No.21, April 2000 Australian Institute of Family Studies .